

آثار معنوی بصیرت از دیدگاه نهج البلاغه

فلک ناز خورانی^۱

چکیده

انسان مؤمن در اثر کسب علم، تفکر، و رعایت تقوای الهی به قوه تشخیص امور می رسد و درک خاصی از دین و حقائق هستی پیدا می کند که در تعبیر قرآن و روایات از آن به بصیرت یاد شده است. بصیرت به انسان قدرتی می دهد که حق از باطل را تشخیص داده و دچار شبهات و فتنه های فکری نشود. بصیرتی که بر اساس تعالیم دینی و برگرفته از آموزهای قرآن و عترت باشد بصیرت دینی نامیده می شود. بصیرت دینی علاوه بر اینکه نشان از بینش عمیق انسان دارد، آثار زیادی نیز در پی دارد. یکی از منابع اسلامی که مشتمل بر نکات زیادی در مورد بصیرت و آثار آن است، کتاب شریف نهج البلاغه است. هدف از این نوشتار این است که آثار معنوی بصیرت بر اساس بیانات نورانی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه بیان شود. روش این نوشتار توصیفی تحلیلی است و تحقیق در آن بر اساس منابع کتابخانه ای است. با توجه به اینکه در عصر حاضر دشمنان تبلیغات گسترده ای را علیه اسلام انجام داده اند و فتنه های زیادی را صورت می دهند، بحث از بینش و بصیرت دارای اهمیت ویژه ای است؛ چرا که بصیرت است که توطئه دشمنان را خنثی کرده و انسان را از فتنه ها نجات می دهد. آنچه از این نوشتار حاصل گردید این است که بصیرت علاوه بر اینکه حق و باطل را برای انسان روشن می سازد، انسان را در زمان فتنه نجات داده و امور مشتبّه را برای او روشن می کند. همچنین بخشی از بصیرت دینی ارتباط با معرفت به خدا و پیشوایان حق دارد که از این جهت نیز در زندگی انسان آثاری را در پی خواهد داشت.

کلید واژه: آثار معنوی، بصیرت، بینش، نهج البلاغه.

۱. سطح دو؛ حوزه علمیه زینبیه آبیک.

مقدمه

یکی از مفاهیم مهم و کلیدی که در آیات و روایات توجه ویژه به آن شده است، مفهوم بصیرت است. بصیرت قوه مقدس و الهی است که با کسب علم و معرفت، و رعایت تقوای الهی در انسان پدید می آید و به واسطه آن، انسان حقیقت امور را به شکل صحیح درک می کند. یکی از منابع اسلامی که در مورد بصیرت نکات زیادی در آن بیان شده است، کتاب شریف نهج البلاغه و بیانات نورانی امام علی (علیه السلام) در این کتاب است. بصیرت در این کتاب جایگاه مهمی دارد و دارای آثاری است که در این مقاله سعی بر این است که مهم ترین این آثار بیان گردد.

داشتن بصیرت دینی باعث می شود انسان از شک و شبهات در امان باشد و در مقابل انحرافات دین خود را از دست ندهد. با توجه به اینکه در دوران آخرالزمان، نداشتن بصیرت دینی فتنه های زیادی را ایجاد کرده و عامل انحراف بسیاری از مردم می شود، موضوع مورد بحث اهمیت پیدا می کند و نیاز است در مورد آن تأکید ویژه ای صورت بگیرد؛ آنچه در این مقاله بیان می شود در همین راستا خواهد بود.

فرضیه این نوشتار این است که در کتاب نهج البلاغه به مفهوم بصیرت اهمیت خاصی داده شده است و برای آن آثاری معنوی بیان شده است که باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. بر اساس این فرضیه مطالب این نوشتار صورت گرفته است.

سؤال اصلی در این نوشتار این است که آثار معنوی بصیرت از دیدگاه نهج البلاغه کدام است؟

در این نوشتار بعد از بیان برخی از مقدمات و تشریح برخی از مفاهیم کلیدی، سعی در این است که با استفاده از بیانات نورانی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، مفهوم بصیرت دینی و آثاری که در پی دارد بیان گردد. مطالب این نوشتار اولاً موجب شناخت اهمیت بصیرت در مفاهیم دینی می شود و ثانیاً آثار آن را بازگو خواهد کرد.

با مراجعه به منابع و آثاری که تاکنون در مورد بصیرت نوشته شده است روشن می شود که در این موضوع مطالب زیادی نوشته شده و آثار علمی زیادی صورت گرفته است که هر کدام از آنها دارای ویژگی خاصی هستند و از جهاتی با این نوشتار ارتباط دارند؛ اکنون برخی از این آثار اشاره می شوند.

۱. *معناشناسی بصیرت در نهج البلاغه*؛ عباس مصلائی پور؛ سال ۱۳۹۳. آنچه در این مقاله آمده است با محوریت معناشناسی است و واژگان هممنشین و جانشین بصیرت در نهج البلاغه مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. با توجه به اینکه محور مباحث نوشتار حاضر آثار بصیرت است، با مقاله مذکور تفاوت دارد.

۲. *نقش بصیرت در ریشه کنی فقر فرهنگی با تأکید بر نهج البلاغه*؛ محمد شریفی؛ ۱۴۰۲. در این مقاله تنها یکی از آثار بصیرت مورد توجه قرار گرفته است و در خصوص نقش بصیرت در از بین بردن فقر فرهنگی بحث شده است که در این مقاله می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۳. *عوامل و زمینه های بصیرت در قرآن و روایات*؛ مصطفی آتشکار؛ ۱۳۹۴. در این مقاله مباحث خوبی پیرامون بصیرت با استفاده از آیات و روایات بیان شده است. با توجه به اینکه محور مباحث ما در این مقاله کتاب نهج البلاغه است، با نوشتار مذکور تفاوت اساسی دارد.

با تحقیقی که در میان منابع صورت گرفت این نتیجه به دست آمد که در موضوع بصیرت به خصوص مقالات زیادی نوشته شده است که برخی از آنها با تأکید بر کتاب نهج البلاغه صورت گرفته است اما به نظر می رسد در مورد آثار معنوی بصیرت بر اساس بیانات امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه اثر مستقلی نوشته نشده است. از این رو نوشتار حاضر می تواند خلأ موجود را رفع کند.

الف) مفهوم‌شناسی

در این قسمت از مقاله در مورد برخی از مفاهیم کلیدی این نوشتار بحث شده و در ادامه مباحث اصلی این مقاله مطرح می‌گردد.

۱) بصیرت

واژه بصیرت از جمله مفاهیمی است که در قرآن کریم و روایات کاربرد زیادی دارد و در زبان فارسی و عربی استعمال می‌گردد. ریشه این واژه در زبان عربی از ماده: «بصر» گرفته شده است که به معنای بینایی چشم، درک و علم و فهم به کار می‌رود.^۱ نقطه مقابل بصیرت مفهوم «عمی» یا کوری قرار دارد که گاهی کوری چشم مراد است، و گاهی عدم درک حقائق. همچنین بصیرت به معنای عقلانیت و هوشیاری نیز در زبان عربی به کار رفته است.^۲

بصیر یکی از اسماء خدای متعال است و مراد این است که حق تعالی ظاهر و باطن تمام امور را می‌بیند و از آن اطلاع دارد.^۳ در عین حال، این واژه در مورد انسان‌ها نیز استعمال می‌شود.

در زبان فارسی نیز بصیرت به معنای بینایی، دانایی، هوشیاری، بینایی دل، یقین و حجت روشن به کار رفته است که نشان از این دارد که مفهوم این واژه در زبان فارسی و عربی یکسان است.^۴

در اصطلاح علوم مراد از بصیرت همان قوه الهی است که خدای متعال به برخی از بندگان خود عطا کرده است که با وجود آن حقائق اشیاء را به نحو صحیح درک می‌کنند.^۵ این قوه در اولیاء خود وجود دارد و انسان‌های دیگر نیز هر یک، به مقدار معرفت و مرتبه خود می‌تواند بهره‌ای از این بصیرت داشته باشد.

۱. قرشی، قاموس قرآن، ج ۲ ص ۱۹۵؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱ ص ۱۴۷؛ بستانی، فرهنگ ابجدی، ج ۱ ص ۱۸۶.

۲. شرتونی، اقرب الموارد، ج ۱ ص ۱۷۳.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴ ص ۶۴.

۴. دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۱ ص ۴۴۲؛ نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۱ ص ۶۱۰.

۵. جرجانی، التعریفات، ص ۲۰؛ احمدنگری، جامع العلوم، ج ۱ ص ۲۵۱.

(ب) آثار معنوی بصیرت

بعد از بیان مقدمات این تحقیق و روشن شدن مفهوم بصیرت، اکنون آثاری که افزایش بصیرت دینی در پی دارد توصیح داده می شود.

(۱) تشخیص حق از باطل

یکی از مباحث مهمی که در قرآن و روایات اسلامی در مورد آن بحث شده است، شناخت حق از باطل است؛ به این معنا که انسان بتواند حق را به طور صحیح دریابد، و باطل را بشناسد و در این زمینه دچار اشتباه نشود. قرآن کریم یکی از آثار تقوای الهی را رسیدن به تشخیص حق از باطل می داند^۱ که از آن تعبیر به فرقان کرده است. فرقان یعنی همان بصیرت دینی که موجب می شود انسان بین حق و باطل فرق بگذارد و در شناخت آن دچار خطا نگردد.^۲

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیان نورانی خود در نهج البلاغه، انسان های بصیری که حق را از باطل تشخیص داده و مسیر خود را پیدا کرده اند را اینگونه توصیف کرده است: «قَدْ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ، وَ سَلَكَ سَبِيلَهُ، وَ عَرَفَ مَنَارَهُ، وَ قَطَعَ غِمَارَهُ، وَ اسْتَمْسَكَ مِنَ الْعُرَى بِأَوْثِقِهَا، وَ مِنَ الْحِبَالِ بِأَمْتِنِهَا، فَهُوَ مِنَ الْيَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ؛ راه هدایت را با بصیرت دریافته، و در آن گام نهاده و نشانه های این راه را به خوبی شناخته، و از امواج متلاطم شهوات گذشته است و از میان دستگیره های هدایت، به مطمئن ترین آن ها چنگ زده و از رشته های نجات به محکم ترین آن ها متمسک شده است؛ به همین دلیل، در مقام یقین به آن جا رسیده که حقایق را همانند نور آفتاب می بیند».^۳

از بیان نورانی حضرت روشن می شود که فایده بصیرت دینی و اجتماعی این است که انسان مسیر خود را به درستی درک کرده و مانند خورشید حق را می شناسد. در نقطه مقابل، انسان هایی که بصیرت دینی ندارند، همواره در فهم حق از باطل دچار خطا هستند. تاریخ دوران امام علی (علیه السلام) گویای این است که بسیاری از خواص، در اثر بی بصیرتی نتوانستند حق را از باطل تشخیص دهند و

۱. انفال: ۲۹.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷ ص ۱۴۰.

۳. نهج البلاغه: خطبه ۸۷.

می‌شوید انجام دهید، و از آنچه نهی می‌گردید باز ایستید، و در کاری تا دقیقاً بررسی نکنید شتاب نوزید، زیرا آنچه را شما (از روی جهل) منکر آن هستید ما را قدرت تغییر آن هست»^۱.

مقام معظم رهبری در موارد متعددی در بیانات خود به این فرمایش امام در نهج البلاغه استناد کرده اند^۲ و اهمیت داشتن بصیرت در فتنه‌ها را به مردم جامعه گوشزد نموده اند. از جمله در برخی از بیانات خود اینگونه می‌فرماید:

«پرچم و علم این چنین کارزاری را فقط مردمی میتوانند بر دوش بکشند که دو صفت در آنها باشد: اول، آگاهی؛ دوم، استواری؛ انسان اگر بخواهد فریب دشمن‌های نابکاری را که بظاهر دوستند، بظاهر از انسان پابندترند به آن مسلک و آن عقیده و آن راه، اما در باطن، دشمنان بنیادی آن مسلک و عقیده‌اند [نخورد]، اگر بخواهد اینها را بشناسد، باید بصیرت داشته باشد. امروز مهم‌ترین تکلیف مسلمان‌های دنیا، مسلمان‌هایی که در اقطار عالم زندگی می‌کنند، با این شیوه‌های عجیبی که برای کوبیدن دنیای اسلام در پیش گرفته شده، این است که بصیرت و آگاهی و معرفت خود را تقویت کنند. مسلمان‌ها سعی کنند بفهمند و بدانند. تا بصیرت نباشد، راه‌های زندگی، مشهود و معلوم نمیشود؛ تا دقت نظر نباشد، تا آگاهی نباشد، تا هشیاری نباشد، تا چشم مسلمان باز نباشد، دشمن را در هر لباس نمی‌شناسد؛ و ما امروز بیش از همیشه احتیاج داریم دشمنانمان و دشمنان دینمان و دشمنان قرآنمان را و دشمنان نهج‌البلاغه را در هر لباس بشناسیم»^۳.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیان نورانی دیگری در کتاب نهج البلاغه در مورد نحوه موضع‌گیری در فتنه‌ها عبارتی دارند که شیوه رفتاری انسان‌های آگاه و بصیر را روشن می‌سازد. حضرت می‌فرماید: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرَ فَيْرُكَبَ وَلَا ضَرْعَ فَيُخْلَبُ؛ در فتنه همچون شتر بچه باش، او را نه پستی است که سوارش شوند، و نه پستانی که شیرش دوشند»^۴.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳؛ محمدی ری شهری، دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۶ ص ۳۶۲.

۲. خامنه‌ای، معارف انقلاب، ص ۱۷۵؛ خامنه‌ای، سیاست، ص ۳۲۴.

۳. خامنه‌ای، شرح هفت خطبه، ص ۱۱۲.

۴. نهج البلاغه: حکمت ۱.

بر اساس این کلام، انسان بصیر کسی است که در فتنه ها به گونه رفتار می کند که مورد سوء استفاده دیگران قرار نمی گیرد، آلت دست این و آن نمی شود، خود را نگه می دارد و به هیچ فردی از دو طرف فتنه کمک نمی کند.^۱

نتیجه این است که انسان در برابر فتنه های اجتماعی تنها در صورتی می تواند نجات پیدا کند که از بصیرت دینی برخوردار باشد. بصیرت اقتضا می کند انسان امام حق را بشناسد، دشمنان اسلام را بشناسد، و شرایط و موقعیتی را که در آن زندگی می کند به خوبی درک کند تا از آسیب های اجتماعی در امان بماند.

۶) تواضع در برابر عظمت خدا

از دیدگاه نهج البلاغه، یکی از مصادیق بصیرت، معرفت پیدا کردن نسبت به خداست، چرا که پایه و اساس دین داری معرفت به خداست. حضرت در جملات اول خود در خطبه اول نهج البلاغه در تبیین معرفت خدا می فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَةُ؛ آغاز دین شناخت اوست (خداست)».^۲

انسانی که از بصیرت برخوردار است، بهره ای از خدانشناسی می برد و کسی که خدا را شناخت، در برابر عظمت وی تواضع خواهد کرد. حضرت در بیان نورانی خود در نهج البلاغه می فرماید: «إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ عَظَمَةَ اللَّهِ أَنْ يُتَعَظَّمَ فَإِنَّ رِفْعَةَ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ مَا عَظَمَتُهُ أَنْ يَتَوَاضَعُوا لَهُ؛ و آن که عظمت حق را شناخت شایسته نیست خود را بزرگ شمارد، زیرا بزرگی آنان که به عظمت حق معرفت دارند این است که در برابر او فروتنی کنند».^۳

انسانی که از بصیرت دینی بهره ای ببرد و معرفت خدا در دل او جا پیدا کند، عظمت خدا را درک می کند. نتیجه درک عظمت خدا این است که انسان پی می برد که در برابر عظمت خدا هیچ است، و این نوع از معرفت دینی انسان را از تکبر نجات داده و او را در برابر عظمت خدا خاضع می کند.^۴

۱. مکارم شیرازی، پیام امام، ج ۱۵ ص ۲۲.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱؛ محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۴ ص ۱۷۵.

۳. نهج البلاغه: خطبه ۱۴۷؛ محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (ع)، ج ۱۰ ص ۵۹۰.

۴. مکارم شیرازی، پیام امام، ج ۶ ص ۵۷۰.

نتیجه‌گیری

این مقاله با عنوان آثار افزایش بصیرت دینی از نگاه نهج البلاغه صورت گرفت. از مباحث این نوشتار چند نتیجه به دست آمد:

از جمله آثار بصیرت دینی این است که انسان معرفت خدا را به دست آورده و در برابر عظمت او کرنش می‌کند.

بصیرت دینی نوعی بینش به انسان عطا خواهد کرد که در اثر آن حق را از باطل تمییز داده، و در تشخیص این دو از هم دچار تحیر نمی‌شود.

همچنین این نتیجه به دست آمد که بصیرت موجب می‌شود انسان مؤمن در حوادث سیاسی اجتماعی دوست را از دشمن شناخته و بعد از پیدا کردن پیشوای حق، از پیروری از پیشوایان باطل در امان خواهد بود.

از مهم‌ترین آثاری که بصیرت دینی در پی دارد این است که انسان در فتنه‌های اجتماعی گرفتار نخواهد شد و دچار انحراف نمی‌شود. بصیرت دینی سبب می‌شود انسان در فتنه‌ها راه را از چاه بشناسد و دستاویز دیگران قرار نگیرد. همچنین، افزایش بصیرت دینی در انسان دید انسان را از دنیا جدا کرده و توجه انسان را به آخرت معطوف می‌سازد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- * نهج البلاغه، ترجمه مکارم شیرازی.
۱. خامنه‌ای، سید علی، سیاست از منظر آیت الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸.
 ۲. خامنه‌ای، سید علی، شرح هفت خطبه، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۹.
 ۳. خامنه‌ای، سید علی، معارف انقلاب، تهران: مؤسسه انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۷.
 ۴. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: دانشکده ادبیات، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
 ۵. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
 ۶. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امیرالمومنین (علیه السلام)، قم: دارالحديث، چاپ چهارم، ۱۳۹۲.
 ۷. _____ دانشنامه قرآن و حدیث، قم: دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
 ۸. _____ میزان الحکمه، قم: دارالحديث، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹.
 ۹. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، چاپ اول، تهران، اسلامی، ۱۳۸۶.
 ۱۰. _____ ترجمه و شرح گویا بر نهج البلاغه، قم: هدف، چاپ اول، بی‌تا.
 ۱۱. _____ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، ۱۳۷۴.
 ۱۲. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، چاپ اول، بی‌تا.
 ۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

۱۴. احمدنگری، عبدالنبي، جامع العلوم، بيروت: الأعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۱۵. بستانى، فؤاد، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامى، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۱۶. جرجانى، على بن محمد، التعريفات، تهران: ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۷. خوئى، حبيب الله، منهاج البراعة، تهران: اسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق.
۱۸. راغب اصفهاني، حسين، مفردات الفاظ القرآن، بيروت: دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۹. شرتونى، سعيد، اقرب الموارد، تهران: اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۰. طباطبائي، محمد حسين، تفسير الميزان، بيروت: الاعلمى، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۲۱. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۲۲. فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير، قم: دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۲۳. مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار، بيروت: داراحياء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مصطفى، حسن، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸.